

# آثار اخروی قرض الحسنه از منظر فریقین

عبدالرحمن نجفی
استاد حوزه و دانشگاه

## چکیده

**بحث از قرض الحسنه، بحث نویی نیست، بلکه در هر یک از قرآن کریم و روایات اسلامی مطرح شده و به تبع آن بسیاری از مفسّران قرآن و علماء علم اخلاق به آن پرداخته‌اند، ولی به نظر می‌رسد که هنوز جای بحث از آن زیاد است، تا فرهنگ آن، به نحو کامل در بین افراد جامعه احیا شود و اغنیا، در موارد لازم، اموالی را در قالب قرض الحسنه و وام‌های بدون ربا، در اختیار نیازمندان قرار دهند و به این سبب، ربا از جامعه اسلامی رخت بر بندد، به همین جهت به بررسی آثار و فواید قرض الحسنه پرداخته‌ایم و در دو شماره قبل، آثار تربیتی قرض الحسنه در هر یک از قرض دهنده و قرض گیرنده را مورد بررسی قرار دادیم و اینک به بررسی آثار اخروی قرض الحسنه از منظر فریقین پرداخته‌ایم و آثاری نظیر عاقبت به خیری، دوری از آتش دوزخ، دوری از آتش دوزخ، معیّت الهی، بخشش گناهان، آمرزش و تشکّر خداوند و ورود به بهشت برای آن بیان کرده‌ایم.**

واژگان کلیدی: آثار، قرض، قرض الحسنه، آثار اخروی.

قرض الحسنه، آثار اخروی فراوانی دارد به بررسی برخی از آن می‌پردازیم:

### ۱. عاقبت به خیری؛

یکی از آثار قرض الحسنه، عاقبت به خیری شخصی است که به این سنت خدا پسندانه اقدام می‌ورزد و در مقابل مبتلا شدن به ربا، به قرض الحسنه روی می‌آورد، چنانکه در برخی از روایات آمده است:

أ. «مَنْ أَحْسَنَ إِلَى النَّاسِ حَسُنَتْ عَوَاقِبُهُ وَ سَهُلَتْ لَهُ طُرُقُهُ؛ هر که به مردم نیکی کند، عاقبت به خیر می‌شود و مسیر زندگانی‌اش آسان می‌گردد» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶ هـ.ش، ص ۴۳۶).

ب. «فعلُ المَعرُوف يَقِي مَصَارِعَ السّوء؛ انجام معروف، انسان را از بلاهای بد می‌رهاند» (قضاعی، ۱۳۶۱، ص ۳۱).

ج. «الصَّدَقَةُ عَلَى وَجهِهَا وَ اصطِنَاعِ المَعرُوف وَ بِرُّ الوَالِدَين وَ صِلَةُ الرَّحِم تُحَوِّلُ الشَّقَاءَ سَعَادَةً وَ تَزِيدُ فِي العُمر وَ تَقِي مَصَارِعَ السُّوء؛ کمک به نیازمندان، هر گاه به صورت صحیح انجام گیرد و انجام معروف و نیکی به پدر و مادر و صله رحم، شقاوت را به سعادت، مبدل می‌کند و عمر را طولانی و از خطرات جلوگیری می‌نماید» (رشید الدین میبدی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۲۱۲).

بر اساس روایت فوق، یکی از اعمالی که شقاوت را به سعادت تبدیل می‌کند و موجب آن می‌گردد که انسان شقی، عاقبت به خیر شده و دست از شقاوت خود بردارد، انجام معروف است و از آنجایی که کاملترین مصداق «انجام معروف» قرض الحسنه است، چنانکه در روایتی آمده است: «إِنَّمَا شُدِّدَ فِي تَحْرِيمِ الرِّبَا لِئَلَّا يَمْتَنِعَ النَّاسُ مِنَ اصْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ قَرْضاً؛ به درستی در تحریم ربا، سخت گرفته شد، تا مردم از انجام معروف در قالب قرض، امتناع نورزند» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۶۷۰)، بنابراین می‌توان گفت: یکی از فوائد قرض الحسنه، عاقبت به خیری افراد است، زیرا عاقبت امر همه افراد، به دست خداست و طبق آیات و روایات، قرض دهنده، در واقع با خدا معامله کرده است.

### ۲. دوری از آتش دوزخ؛

دوّمین اثر اخروی قرض الحسنه، دوری هر یک از قرض دهنده و قرض گیرنده از جهنم است، چنانکه در روایاتی آمده است:

أ. «إِذَا أَنْعَمَ اللهُ تَعَالَى عَلَى عَبْدِه بِنِعْمَةٍ صَيَّرَ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْه فَإِنْ قَضَاهَا مِنْ غَيْرِ اسْتِخْفَافٍ بِهَا أَسْكَنَهُ الْفِرْدَوْسَ الْأَعْلَى وَ إِنْ لَمْ يَقْضِهَا وَ هُوَ قَادِرٌ عَلَى قَضَائِهَا نَزَعَ اللهُ مِنْهُ صَالِحَ مَا أَعْطَاهُ وَ أَسْكَنَهُ نَارَ جَهَنَّمَ وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ وَ لَمْ يَنَلْ شَفَاعَةَ رَسُولِ اللهِ(ﷺ)؛ وقتی خدا به بنده‌اش نعمتی دهد، مردم نیازمند به او می‌گردند، پس

چنانچه بدون هیچ توهین و استخفافی، نیاز مردم را برطرف سازد، خدا او را در فردوس اعلی جای دهد، ولی چنانچه با آنکه می‌تواند نیاز دیگران را برطرف سازد، از انجام چنین کاری اباء ورزد، خدا صلاح نعمتی که به او عطا نموده را از او می‌گیرد و در دوزخ مسکنش دهد و به شفاعت رسول خدا(ﷺ) نمی‌رسد» (دیلمی، ۱۴۰۸ هـ‌ق، ص ۲۵۹).

ب. «إِنَّ اللهَّ إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً صَيَّرَ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْهِ فَإِنْ قَضَاهَا مِنْ غَيْرِ اسْتِخْفَافٍ مِنْهُ أَسْكَنَ الْفِرْدَوْسَ وَ إِنْ لَمْ يَقْضِهَا أَسْكَنَ نَارَ جَهَنَّمَ وَ نَزَعَ اللَّهُ مِنْهُ صَالِحَ مَا أَعْطَاهُ وَ لَمْ يَنَلْ شَفَاعَةَ رَسُولِ اللهَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ وقتی خدا به بنده‌اش نعمتی دهد، مردم نیازمند به او می‌گردند، پس چنانچه بدون هیچ توهین و استخفافی، نیاز مردم را برطرف سازد، خدا او را در فردوس اعلی جای دهد، ولی چنانچه از انجام چنین کاری اباء ورزد، وارد آتش دوزخ می‌شود و خدا صلاح آنچه به او داده را از او می‌گیرد و در روز قیامت، به شفاعت رسول خدا نائل نمی‌شود» (طبرسی، ۱۳۸۵ هـ‌ق، ص۳۳۳).

روایات فوق، بیانگر آنند که یکی از ضررهای اخروی ترک قرض‌الحسنه، آن است که انسان‌های غنی‌ای که می‌توانند از مشکلات مردم گره‌گشایی نمایند و در موارد لزوم، اموالی را در اختیار آنان قرار دهند و از چنین کاری امتناع می‌ورزند، وارد دوزخ خواهند شد، همانگونه که کسانی که قرض الحسنه انجام می‌دهند و چنین سنّت حسنه‌ای را در جامعه، رواج می‌بخشند، یکی از آثار اخروی کارشان آن است که از عذاب دوزخ به دور میمانند.

### ۳. معیّت الهی؛

سوّمین اثر اخروی قرض الحسنه، معیّت الهی است و قرض دهنده و قرض گیرنده‌ای که ربا را ترک نموده و به دنبال قرض الحسنه رفته‌اند، همواره با خدای متعال، معیّت دارند و از لطف و رحمت خاص الهی برخوردارند، چنانکه در سوره مائده آمده است: «وَ لَقَدْ أَخَذَ اللهُّ مِيثاقَ بَنِي إِسْرائِيلَ وَ بَعَثْنا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيباً وَ قالَ اللهُّ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلاةَ وَ آتَيْتُمُ الزَّكاةَ وَ آمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَ عَزَّرْتُمُوهُمْ وَ أَقْرَضْتُمُ اللهَّ قَرْضاً حَسَناً لَأُكَفِّرَنَ عَنْكُمْ سَيِّئاتِكُمْ وَ لَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَواءَ السَّبِيلِ؛ خدا از بنی‌اسرائیل پیمان گرفت و از آنها دوازده رهبر و سرپرست برانگیختیم و خداوند به آنها گفت: من با شما هستم، اگر نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و به رسولان من، ایمان بیاورید و آنها را یاری کنید و به خدا قرض الحسنه بدهید، گناهان شما را می‌پوشانم و شما را در باغ‌های بهشت که نهرها از زیر درختان آن جاری است، وارد می‌کنم، اما هر کس بعد از این کافر شود، از راه راست، منحرف گردیده است» (مائده: ۱۲).

براساس آیه‌ی فوق، هر کسی که پنج کار را انجام دهد، از معیت الهی برخوردار می‌گردد: اقامه نماز، پرداخت زکات، ایمان به رسولان الهی، یاری رسولان الهی و رواج سنّت قرض‌الحسنه.

در عالم تنها دو مسیر است که آن دو نیز در مقابل یکدیگرند، یکی مسیر الهی و دیگری مسیر شیطانی، به همین جهت در برخی از آیات قرآن کریم آمده است:

أ. «وَ هَدَيْناهُ النَّجْدَيْنِ؛ و او را به خیر و شرّش هدایت نمودیم» (بلد/۱۰).

ب. «وَ قُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَ مَنْ شاءَ فَلْيَكْفُرْ؛ بگو این حق است از سوی پروردگارتان، هر کس می‌خواهد ایمان بیاورد و هر کس می‌خواهد، کافر گردد» (کهف/۲۹).

کسی که گام در راه مسیر الهی نهد، غرق در ناز و نعمت می‌شود و ممکن است از مقام عنداللهی برخوردار گردد، چنانکه در سوره‌ی قمر، یکی از پاداش‌های نیکوکاران، برخورداری از مقام عنداللهی دانسته شده و در این‌باره آمده است: «انَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ نَهَرٍ، فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُقْتَدِرٍ؛ پرهیزگاران در باغ‌ها و نهرهای بهشتی جای دارند، در جایگاه صدق، نزد خداوند مالک مقتدر» (قمر/۵۵-۵۴).

در مقابل نیکوکاران، افراد گنهکار هستند که در اثر گناه و اشتباهشان، خود را از ولایت الهی خارج نموده‌اند و دچار ولایت شیطانی شده‌اند و همواره با شیطان به سر می‌برند، چنانکه در برخی از آیات قرآن کریم آمده است:

«إِنَّا جَعَلْنَا الشَّياطِينَ أَوْلِياءَ لِلَّذِينَ لا يُؤْمِنُونَ؛ ما شیاطین را اولیای کسانی قرار دادیم که ایمان نمی‌آورند» (اعراف/۲۷).

«فَرِيقاً هَدى وَ فَرِيقاً حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلالَةُ إِنَّهُمُ اتَّخَذُوا الشَّياطِينَ أَوْلِياءَ مِنْ دُونِ اللهَّ وَ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ؛ جمعی را هدایت کرده و جمعی، گمراهی بر آنها مسلم شده است، آنها کسانی هستند که شیاطین را به جای خداوند، اولیای خود انتخاب کردند و چنین گمان می‌کنند که هدایت یافته‌اند».

چنین نیست که شیطان، بدون هیچگونه زمینه‌ای بر انسان‌ها مسلّط شود، بلکه چنانچه زمینه‌ی گناه و معصیت در کسی باشد، شیطان بر او مسلّط می‌شود و چنانچه زمینه‌ی گناه در فردی نباشد، شیطان، سیطره‌ای بر او ندارد، چنانکه در سوره‌ی نحل آمده است: «إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَلى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ، إِنَّما سُلْطانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَ الَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ؛ شیطان، تسلّطی بر کسانی که ایمان آوردند و بر پروردگارشان توکل می‌کنند، ندارد و تنها تسلّط او، بر کسانی است که او را به سرپرستی خود برگزیده‌اند و آنها که نسبت به او شرک می‌ورزند» (نحل/۱۰۰-۹۹).

با توجه به آیه‌ی فوق، شیطان تنها بر کسانی مسلّط می‌شود که زمینه‌ی تسلّط او را در خود ایجاد کرده باشند و در اثر گناه و معصیت، از ولایت الهی خارج شده باشند که در برخی از موارد، ممکن است چنان تنزّل نمایند که شیطان نیز به آنان توجّه نکرده و آنان را در ولایت خویش قرار ندهد، چنانکه در سوره حشر آمده است: «كَمَثَلِ الشَّيْطانِ إِذْ قالَ لِلْإِنْسانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ إِنِّي أَخافُ اللهَّ رَبَّ الْعالَمِينَ؛ کار منافقان همچون شیطان است که به انسان گفت: کافر شو، اما هنگامی که کافر شد، گفت: من از تو بیزارم، من از خداوندی که پروردگار عالمیان است، بیم دارم» (حشر/۱۶).

بنابراین نیکوکاران از ولایت الهی و از لطف و رحمت خاصه برخوردارند، به خلاف گنهکاران، که از ولایت شیطانی بهره‌مندند و از آنجایی که قرض‌الحسنه، یکی از کارهای خوب و زیبا است،

موجب آن می‌شود که آدمی از رحمت خاصّه و معیّت الهی برخوردار گردد.

### ٤. بخشش گناهان؛

چهارمین اثر اخروی قرض الحسنه، بخشش گناهان است، چنانکه در سوره مائده آمده است: «وَ لَقَدْ أَخَذَ اللهُ میثاقَ بَنی إسْرائیلَ وَ بَعَثْنا مِنْهُمُ اثْنَیْ عَشَرَ نَقیباً وَ قالَ اللهُ إِنِّی مَعَکُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلاةَ وَ آتَیْتُمُ الزَّکاةَ وَ آمَنْتُمْ بِرُسُلی وَ عَزَّرْتُمُوهُمْ وَ أَقْرَضْتُمُ اللهَ قَرْضاً حَسَناً لَأُکَفِّرَنَ عَنْکُمْ سَیِّئاتِکُمْ وَ لَأُدْخِلَنَّکُمْ جَنَّاتٍ تَجْری مِنْ تَحْتِهَا الأَنْهارُ فَمَنْ کَفَرَ بَعْدَ ذلِکَ مِنْکُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَواءَ السَّبیلِ؛ خدا از بنی‌اسرائیل پیمان گرفت و از آنها دوازده رهبر و سرپرست برانگیختیم و خداوند به آنها گفت: من با شما هستم، اگر نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و به رسولان من، ایمان بیاورید و آنها را یاری کنید و به خدا قرض‌الحسنه بدهید، گناهان شما را میپوشانم و شما را در باغهای بهشت که نهرها از زیر درختان آن جاری است، وارد می کنم، اما هر کس بعد از این کافر شود، از راه راست، منحرف گردیده است» (مائده/ ۱۲).

بخشش گناهان افراد غنی‌ای که در هنگام مشکلات و گرفتاری ها به یاری دیگران می شتابند، بدان جهت است که آنان، از عهده وظیفه ای که داشتند، بر آمدند و با اموالی که خداوند متعال در اختیار آنان نهاده بود، مشکلات بندگان خدا را برطرف ساختند، چنانکه در روایاتی آمده است:

أ. «قالَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ الْخَلْقُ عِیالی فَأَحَبُّهُمْ إِلَیَّ أَلْطَفُهُمْ بِهِمْ وَ أَسْعَاهُمْ فِی حَوائِجِهِمْ؛ خداوند متعال فرمود: خلق، نانخورَ من هستند، پس محبوب ترین آنان به من، کسی است که مهربانترین آنان به نان خورهای من و پر تلاش ترین آنان در رفع نیاز نان خورهای من باشد» (کلینی، ۱۴۰۷ هـ‌ق، ج ۲، ص ۱۹۹، ح ۱۰)

ب. «الخلق عیال اللهّ فاحبّ الخلق الی اللهّ من احسن الی عیاله؛ خلق، نانخور خدایند، پس محبوبترین خلق به خدا، کسی است که به عیال او نیکی کند»(مظهری، ۱۴۱۲ هـ‌ق، ج ۱، ص ۴۰۹).

بر اساس برخی از روایات نیز یکی از عوامل قوام دین و دنیا، انسان‌های سرمایه‌داری هستند که هنگام مشکلات، به یاری نیازمندان می‌شتابند و مایه دلگرمی آنان می‌شوند، چنانکه در روایتی از حضرت علی(علیه‌السلام) آمده است: « ای جابر! قوام و استواری دین و دنیا به چهار گروه است:

۱- عالم و دانشمندی که علم خود را به کار گیرد.

۲- نادانی که از فراگیری سر باز نزند.

۳- سخاوتمندی که در بذل و بخشش بخل نورزد.

۴- نیازمندی که آخرتش را به دنیا نفروشد.

ازاین‌رو هرگاه عالم، علمش را ضایع کند و به کار نگیرد، جاهل از فراگیری علم، خودداری خواهد کرد (زیرا به علم عالم بدبین می‌شود) و هرگاه اغنیاء در نیکی بخل ورزند، نیازمندان آخرت خود را به دنیا می‌فروشند»(شریف الرضی، ۱۴۱۴ هـ‌ق، ص ۵۴۱).

بنابر روایات فوق، وقتی از طرفی سخاوتمندان، موجب قوام دین و دنیایند و از طرف دیگران، جزو محبوبترین افراد، نزد خداوند متعال محسوب می گردند، یقیناً نزد خدا، از مقام خاصّی برخوردار بوده و گناهانشان مورد عفو و بخشش الهی قرار میگیرد.

### ٥. آمرزش و تشکّر خداوند؛

پنجمین اثر قرض‌الحسنه، آمرزش و تشکر خداوند از انسانی است که با آنکه می‌تواند نظیر مادّی گرایان، تنها به فکر جمع آوری ثروت و زراندوزی برای خود باشد و با استفاده از اموال خود، در جهت افزایش اموال شخصی خود گام بردارد و آن را در امور تجارت و داد و ستد صرف نماید ـ که هرچند در ذات خود، کار ارزشمندی است و موجب تولید و اشتغال می گردد و از ثواب عظیمی برخوردار است ـ و یا آنکه مال خود را در قالب قرض های ربوی، به دیگران بسپارد و بدون آنکه کار و تلاشی کند، نظیر زالو صفتان، خون‌های جماعت دیگر را بمکد، امّا از روحیه انسان دوستی برخوردار بود و وقتی دید شخصی نیاز به اعطای قرض الحسنه دارد، تا گره از کار خود بگشاید، نه تنها بدون هیچ چشم‌داشتی اموال خود را در اختیار او نهاد، بلکه در دنیای اقتصادی کنونی، که ماندن پول در یکجا و یا قرض دادن بدون بهره آن، موجب پایین آمدن ارزش آن می گردد، با توجه به آنکه اعطای قرض الحسنه به دیگران، ارزش اقتصادی اموال او را می کاهد، اموال خود را در اختیار نیازمندان گذاشت و در این راه تنها و تنها رضای خداوند متعال را در نظر گرفت و به امید عفو و بخشش او گام برداشت.

آری! چه بسیار زیباست آمرزش و تشکّر خدای متعال، از کسانی که در دنیای اقتصادی کنونی، که هیچ کسی به فکر دیگری نیست و هر کسی، تنها و تنها به فکر جمع آوری مال و ثروت اندوزی خود است و صحنه‌ای از قیامت مجسم گشته است که خدای متعال در سوره عبس فرمود: «فَإِذا جاءَتِ الصَّاخَّةُ، یَوْمَ یَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخیهِ وَ أُمِّهِ وَ أَبیهِ وَ صاحِبَتِهِ وَ بَنیهِ لِکُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ یَوْمَئِذٍ شَأْنٌ یُغْنیهِ؛ هنگامی که آن صَدای مَهیب(صَیحه رستاخیز) بیاید. در آن روز که انسان از برادر خود فرار می کند. و از مادر و پدرش. و زن و فرزندانش. در آن روز هر کدام از آنها وضعی دارد که او را کاملاً به خود مشغول می‌سازد»(عبس، ۳۴ـ۳۷).

آری! همانگونه که در روز قیامت، مشغولیت افراد به عملکردشان و برآمدن از عهده حساب آن، آنان را غافل از آن می‌دارد که به فکر دیگران و حتّی عزیزان و دلبستگان و نزدیکترین افراد به خود باشند، امروزه نظیر وضعیت اقتصادی افراد، به گونه‌ای شده است که همه انسان‌ها، تمام تلاش و کوشش خود را در آن جهت مصروف می‌دارند که بتوانند به نیاز اقتصادی خود و زن و فرزندشان پاسخگو باشند و یا نمی‌توانند به فکر گرفتاری‌های دیگران باشند و قدرت آن را ندارند و یا چنان دچار غفلت گشته اند که توجّهی به اطراف خود ندارند.

در چنین اوضاع و شرایطی اگر سخاوتمندانی یافت شوند که به فکر گره گشایی از مشکلات دیگران باشند، چه زیبا و دلنواز است آمرزش و تشکر خداوند متعال از آنان. همانگونه که در سوره تغابن آمده است: «إِنْ تُقْرِضُوا اللهَ قَرْضاً حَسَناً یُضاعِفْهُ لَکُمْ وَ یَغْفِرْ لَکُمْ وَ اللهُ شَکُورٌ حَلیمٌ، عالِمُ الْغَیْبِ وَ الشَّهادَةِ الْعَزیزُ الْحَکیمُ؛ اگر به خدا قرض‌الحسنه دهید، آن را برای شما مضاعف می‌سازد و شما را می‌بخشد و خداوند شکرکننده و بردبار است، از پنهان و آشکار با خبراست و او عزیز و حکیم است» (تغابن، ۱۸ ـ ۱۷).

در آیات فوق، ابتدا خداوند متعال، به شکور و حلیم بودن متصف گردید و آنگاه در ادامه آمده است که خداوند متعال، نسبت به همه آشکار و پنهان، با خبر است و عزیز و حکیم است. اتصاف

خدا به شکور و حلیم بودن، بیانگر آن است که خدا، از کسی که به دیگران قرض الحسنه می‌دهد، تشکّر می کند و از طرفی نیز حلیم بوده و در مقابل گناهان او، حلم و بردباری به خرج می‌دهد و او را مشمول آمرزش خود می گرداند، هرچند مراد از شکرگزاری خداوند متعال، آن است که به مقداری که بندگان در مسیر طاعت او گام برمی‌دارند، آنها را مشمول مواهب و الطاف خویش می‌سازد و از آنها تشکّر و سپاسگزاری می کند و از فضل خود، بیش از آنچه استحقاق دارند، بر آنها می‌افزاید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۴۱).

همانگونه که اتّصاف خدا، به عالم به همه پنهان و آشکار، تأکیدی بر اهمیت مسأله قرض‌الحسنه است و می‌رساند که هیچکاری که انسان در آشکار و پنهان انجام می‌دهد، از دید الهی مخفی نمی‌ماند و خدا، به همه آن آگاهی دارد و نیازی به آن نیست که اگر انسان، مقداری قرض‌الحسنه به دیگران عطا نمود، در آشکارا اعلام نماید تا دیگران با خبر گردند و چه بسا آبرو و حیثیت کسی که از او قرض گرفته، از بین برود، بلکه اگر پنهان بگذارد و کسی را از آن با خبر نسازد، نیز خدا به اعمال او آگاه بوده و از اجر و ثواب آن برخوردار می گردد.

در ادامه آیات فوق، خداوند متعال به دو صفت «عزیز» و «حکیم» بودن متصف شده است، تا برساند که عزّت از آن خدای متعال است و کسی که به مسأله قرض الحسنه اهتمام ورزد، خدا از عزّت خویش، او را بهره‌مند می‌سازد و بر عزّت و عظمت او می‌افزاید و چنین کاری را بیهوده انجام نداده، بلکه به مقتضای حکمت خویش و در برابر اقدام انسان بر اعطای قرض الحسنه به نیازمندان، انجام می‌دهد.

### ۶. ورود به بهشت؛

ششمین اثر اخروی قرض‌الحسنه، ورود به بهشت است، چنانکه در شأن نزول آیه شریفه «مَنْ ذَا الَّذی یُقْرِضُ اللهَ قَرْضاً حَسَناً فَیُضاعِفَهُ لَهُ أَضْعافاً کَثیرَةً وَ اللهُ یَقْبِضُ وَ یَبْصُطُ وَ إِلَیْهِ تُرْجَعُونَ؛ کیستَ که به خدا [قَرض‌الحسنَه‌ای] دهد، تا آنَ را برای او، چندین برابر کند؟ و خداوند است که روزی بندگان را محدود، یا گسترده می‌سازد و به سوی او باز می گردید» (بقره/ ۲۴۵)، آمده است: «روزی پیامبر اکرم(ﷺ) فرمود: هرکس صدقه‌ای بدهد، دو برابر آن رادر بهشت خواهد داشت. "ابوالدحداح انصاری" عرض کرد: ای رسول‌خدا(ﷺ)! من دو باغ دارم، اگر یکی از آنها را صدقه بدهم، دو برابر آن را در بهشت خواهم داشت. فرمود: آری.

عرض کرد: ام‌الدحداح نیز با من خواهد بود؟ فرمود: آری.

عرض کرد: فرزندان نیز با منند؟ فرمود: آری.

سپس او باغی را که بهتر بود، به عنوان صدقه به پیامبر(ﷺ) داد، آیه‌ی فوق نازل شد، و صدقه او را دو هزار برابر برای او کرد.

ابو الدحداح بازگشت و همسرش ام‌الدحداح و فرزندان را در آن باغی دید که صدقه قرار داده بود، به در باغ ایستاد و نخواست وارد آن شود و همسرش را صدا زد و گفت: من این باغ را صدقه قرار داده‌ام و دو برابرش را در بهشت خریداری کرده‌ام و تو و فرزندان نیز با من خواهید بود. همسرش گفت: مبارک است آنچه را فروخته و آنچه را خریده‌ای، پس همگی از باغ خارج شدند و آن را به پیامبر(ﷺ) تسلیم کرد.

پیامبر(ﷺ) فرمود: «چه بسیار نخل‌هایی در بهشت که شاخه‌هایش برای ابی‌الدحداح آویزان شده است» (اسفرائینی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۶۷).

روایت فوق، بیانگر پاداش فراوانی است که برای عمل قرض الحسنه در قیامت وجود دارد و عامل بهشتی شدن شخصی می گردد که به این سنّت حسنه اقدام ورزیده است، به همین جهت در سوره مائده آمده است: «وَ لَقَدْ أَخَذَ اللهُ میثاقَ بَنی إِسْرائیلَ وَ بَعَثْنا مِنْهُمُ اثْنَیْ عَشَرَ نَقیباً وَ قالَ اللهُ إِنِّی مَعَکُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلاةَ وَ آتَیْتُمُ الزَّکاةَ وَ آمَنْتُمْ بِرُسُلی وَ عَزَّرْتُمُوهُمْ وَ أَقْرَضْتُمُ اللهَ قَرْضاً حَسَناً لَأُکَفِّرَنَ عَنْکُمْ سَیِّئاتِکُمْ وَ لَأُدْخِلَنَّکُمْ جَنَّاتٍ تَجْری مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ فَمَنْ کَفَرَ بَعْدَ ذلِکَ مِنْکُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَواءَ السَّبیلِ؛ خدا از بنی‌اسرائیل پیمان گرفت و از آنها دوازده سرپرست برانگیختیم و خداوند به آنها گفت: من با شما هستم، اگر نماز را برپا دارید و زکات بپردازید و به رسولان من، ایمان بیاورید و آنها را یاری کنید و به خدا قرض الحسنه بدهید، گناهان شما را می پوشانم و شما را در باغ های بهشت که نهرها از زیر درختان آن جاری است، وارد می کنم، اما هر کس بعد از این کافر شود، از راه راست، منحرف گردیده است» (مائده/ ۱۲).

## جمع بندی و نتیجه گیری

قرض الحسنه آثار و برکات فراوانی در آخرت برای هر یک از قرض‌دهنده و قرض گیرنده دارد، که برخی از آن، عاقبت به خیری، دوری از آتش دوزخ، معیّت الهی، بخشش گناهان، آمرزش و تشکّر الهی و ورود به بهشت و برخورداری از ثوابی مضاعف می باشد.

## منابع


۱. قرآن کریم.
۲. آلوسی، سیّد محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، دار الکتب العلمیة، بیروت، اوّل، ۱۴۱۵ هـ.ق.
۳. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، تفسیر القرآن العظیم، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، بیروت، اول، ۱۴۱۹ هـ.ق.
۴. اسفرائینی، ابوالمظفر شاهفور بن طاهر، تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، اول، ۱۳۷۵.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، دفتر تبلیغات، قم، اوّل، ۱۳۶۶.
۶. دروزه، محمد عزت، التفسیر الحدیث، دار احیاء الکتب العربیة، قاهره، ۱۳۸۳ ق.
۷. دیلمی، حسن بن محمد، اعلام الدین فی صفات المؤمنین، مؤسسه آل البیت (علیهم‌السلام)، قم، اوّل، ۱۴۰۸ هـ.ق.
۸. رشیدالدین میبدی، احمدبن ابی سعد، کشف الاسرار و عدة الابرار، انتشارات امیرکبیر، تهران، پنجم، ۱۳۷۱ هـ.ش.
۹. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر الماثور، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ هـ.ق.
۱۰. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، هجرت، قم، اوّل، ۱۴۱۴ هـ.ق.
۱۱. طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، المکتبة الحیدریة، نجف، دوم، ۱۳۸۵ هـ.ق.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، سوم، ۱۳۷۲ هـ.ش.
۱۳. قضاعی، محمدبن سلامه، شرح فارسی شهاب الاخبار، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، اوّل، ۱۳۶۱ هـ.ش.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چهارم، ۱۴۰۷ هـ.ق.
۱۵. مظهری، محمد ثناءالله، التفسیر المظهری، مکتبة رشیدیه، پاکستان، ۱۴۱۲ هـ.ق.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، تهران، سی و دوم، ۱۳۷۴.
۱۷. لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، دار الحدیث، قم، اوّل، ۱۳۷۶.